

صدراي علوم و تحقيقات زير ذره بين صنايع

فرهنگستان

دانشگاه

تکشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۴۵ | WWW.FDN.IR

خانه نوآوری ایران که یک سال از آغاز به کارش در ازبکستان می‌گذرد، می‌تواند صادرات دانش بنیان‌ها را به این کشور افزایش دهد

ارائه محصولات ایرانی در مراکز درمانی ازبکستان



قراردادهای دانشگاه‌ها با شرکت‌های دولتی در ۳ سال گذشته ریزش چشمگیری از حیث تعداد و مبلغ داشته است

افول ۸۰ درصدی قول و قرار پژوهشی دولتی‌ها با دانشگاه



کدام شرکت‌ها سهم بیشتری در بند «د» تبصره ۹ بودجه داشتند؟

سهم ۴۵ درصدی مجتمع گاز پارس جنوبی در بودجه ۱۴۰۲

شایسته‌سالاری و چالش استقلال زنان در پست‌های مدیریتی

حیدر مرتضوی فر
دبیر واحد خواران اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان

هر انقلاب و حکومتی، اندیشه‌ها، عقاید و محوریت‌های فکری و مبنایی همسو با خود را روی کار می‌آورد. نوع نگرش آن ملت و سرمدمداران آنها ناظر به دین و مذهب، اقتصاد و مواردی از این قبیل، چهارچوب و ساختارهای کلان اجرایی آن کشور را در زمینه‌های مختلف تشکیل می‌دهد. در حوزه زنان نیز پس از تالار و درخشش باشکوه انقلاب اسلامی، نگرش متناسب با مبانی ناب اسلامی جای نگرش مبتذلانه پهلوی به زن و جایگاه او را گرفت و تصویر و بازنمایی نوینی از بانوان و موقعیت ارزشمند آنها تحت عنوان الگوی سوم زن مسلمان که افراط و تفریط نگاه‌های غرب و شرق را ندارد به جهانبان ارائه داد. این نوع نگرش را می‌توان از بیانات صریح و راهگشای امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری به نحو احسن متوجه شد.

زن مبدأ همه خیرات است. ما نهضت خود را مرسوم زنان می‌دانیم. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت و شجاعت می‌کنند. زنان نیمی از جمعیت کشورند اما تاثیرشان در سرنوشت این کشور بیشتر از تاثیر نیمی از جمعیت است. اینها تنها گوشه‌ای از نوع نگرش و بازتاب نگاه بی‌نظیر امامین انقلاب به عنوان رهبران این نظام است که سرچشمه آن نگرش پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. کما اینکه از باب معرفی بهترین الگوها برای زنان ایران و جهان بارها به مقام عظیم و متصل به عرش الهی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) اشاره کرده‌اند. ایفای نقش حضرت زهرا(س) در ابعاد مختلف تربیتی، مادری، همسری، اجتماعی و سیاسی از

موردی است که باید در مقابل آن سر تعظیم فرود آورد و مکررا در بیانات مختلف نیز مورد توجه و اهتمام قرار گرفته تا آنجا که چندین کتاب از بیانات رهبر معظم انقلاب در این باب نگاشته شده است. این نوع نگاه به زن پس از انقلاب اسلامی تلاش برای ایجاد ساختار و فراهم کردن بستری جهت حضور در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی به خصوص ساختارهای مدیریتی کشور را در پیوندان کرده است. هرچند میزان حضور در پست‌های مدیریتی پس از انقلاب به واسطه ظهور و بروز نگرش توحیدی و اصیل اسلام به زن، متعالی شد و بهبود پیدا کرد و در نتیجه فضا و بستر فراهم‌تر شد، لکن چالش‌هایی در این مسیر وجود داشت و دارد که همچنان گریبان‌گیر حضور و فعالیت بانوان در پست‌های مدیریتی کشور است.

اگر درصد حضور بانوان در پست‌های مدیریتی در دوران اخیر را مورد رصد و بررسی قرار دهیم، می‌بینیم درصد مناسب و قابل توجهی نیست. نسبت تعداد نمایندگان مجلس زن به کل نمایندگان با نسبت وزیران خانم نسبت به کل وزیران نسبت جالبی نیست. در واقع هرچه از مناصب در لایه‌های پایین‌تر به لایه‌های بالاتر و پست‌های مدیریتی کلان‌تر می‌رسیم این درصد حضور کاهش می‌یابد. این مسأله حقیقتاً جای تفکر و تعمق بسیار دارد. منطقی در باب مسائل و چالش‌های مختلف، گام اول شناخت عوامل ایجاد آن مسأله و بررسی ریشه‌های آن است. تا عوامل را نشناسیم، نمی‌توانیم به راهکار متناسب دست یابیم. در واقع همان استدلال منطقی دانان است که برای از بین

بردن معلول نیاز است علت‌ها رفع گردند. پس شناخت علت‌ها از این جهت اهتمام بسزایی می‌یابد. در مورد عواملی که موجب عدم رسیدن زنان به پست‌های مدیریتی کلان‌تر کشور و اخذ درصد کمتر نسبت به مردان می‌شوند موارد زیر را می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد.

اولاً، موضوع مهم شایسته‌سالاری است که مقام معظم رهبری در دیدار اخیرشان نیز بر این موضوع تأکید داشتند. اینکه اصل بر شایسته‌سالاری باشد و نه جنسیت، از موضوعاتی است که در بین اقشار مختلف جامعه هنوز که هنوز است تثبیت نشده و خود بن‌بستی می‌شود که نگاه‌های مردسالارانه بروز و ظهور پیدا کنند. ممکن است یک زن بیشتر از یک مرد توانایی و لیاقت مدیریت یک وزارتخانه را داشته باشد. اینجا انتخاب آن زن، انتخاب اصلح است و بالعکس نیز صادق است. اگر یک مرد بتواند بهتر اداره کند باز هم معیار، انتخاب شایسته‌ترین فرد است. در باب اینکه معیار شایستگی چیست، قطعاً در کلان‌موضوع تقوا و تخصص مطرح می‌شود. ما در تشکیل‌های دانشجویی نیز به دنبال تربیت و رشد افرادی با تقوا و متخصص هستیم تا اداره آینده کشور در دستان آنها براساس تقوا، کار برای خدا و دلسوزی عمیق برای این انقلاب و مردم این نظام باشد و در کنار آن تخصص و توانایی لازم متناسب با حوزه کاری مدیریتی را کسب کرده باشند. متأسفانه این نگاه شایسته‌سالاری آن‌طور که باید و شاید در میان اذهان عمومی و اقشار مختلف به‌ویژه آقایان مورد توجه نیست و همین یکی از عواملی است که مانع حضور زنان در پست‌های مدیریتی شده است.

عامل دوم، موضوع فراهم بودن دقیق‌تر بستر و ساختار برای حضور و نقش‌آفرینی زنان در پست‌هایی در لایه‌های پایین‌تر بدنه دولت تا لایه‌های بالاتر آن است. زنان به واسطه نوع آفرینش و خلقت خود نقش‌های مقدسی مثل مادری را دارند که از مهم‌ترین نقش‌ها نیز به‌شمار می‌رود اما ساختار جامعه برای ساری نقش‌های آنها از جمله نقش اقتصادی و اشتغال، باید با این نقش مهم تربیتی و مادری تطابق داشته باشد. به عنوان مثال میزان مرخصی‌هایی که به بانوان شاغل داده می‌شود برای دوران بارداری و چند سال اول تولد فرزند، مرخصی بسیار کمی است! فرزند در اوج وابستگی به مادر باید از او جدا شود. از طرفی زمان کار برای زنان مشابه زمان برای مردان است. در حالی است که امر بسیار مهمی مثل تربیت فرزند که مادر نسبت به پدر سهم بیشتری در آن دارد نیز به عهده زنان است. دیدن مادر به عنوان اولین نفر توسط فرزند هنگامی که از مدرسه بازمی‌گردد، دور هم بودن خانواده هنگام صرف غذا، دیده شدن کمک‌های پدر به مادر در اداره خانه توسط فرزندان و ساختن موقعیت‌های تربیتی برای آنها از جمله کوچک‌ترین مصادیقی هستند که ضرورت و نیاز به حضور بیشتر مادران در کنار فرزندان را اثبات می‌کند و از آنجایی که سهم اعظم این تربیت از آن مادران است، زمان کاری‌شان نباید مشابه مردان باشد. متأسفانه در شرکت‌های خصوصی ساعات کاری برای زنان بسیار زیاد و طولانی است و در امور دولتی نیز همین‌طور است. بنابراین باید ساختار طوری تنظیم شود و قانون‌گذاری‌ها به شکلی انجام گیرد تا به این نقش مهم زنان آسیب و لطمه‌ای

وارد نشود. این ساختار را می‌توان ساختاری متناسب با الگوی سوم زن مسلمان نام نهاد. به‌طور مثال فراهم کردن بستری که زنان بتوانند وقتی در صف کار اداری قرار دارند از فرزندان‌شان مراقبت کنند و فراهم کردن جایی برای فرزندان کوچک‌تر تا کنار مادران باشند برای اینکه بعد از مدرسه مادران خود را ببینند و بعد از ۱۶ الی ۸ ساعت کاری او را مشاهده کنند و قلب‌شان آرام گیرد. لیکن موضوع نیاز به مطالبه جدی و کمک بسزای مسئولان دارد. مورد سوم، بحث عدم تبیین جامع و همگانی در لایه‌های مختلف جامعه در باب ضرورت حضور زنان است. متأسفانه آن‌طور که باید این تبیین صورت نگرفته است. ما در بخشی از این تبیین موفق بوده‌ایم که اگر همان قدر موفقیت‌ها هم نبود همین تعداد خانم‌ها هم در پست‌های مدیریتی نداشتیم. لکن نیاز هست این تبیین همگانی‌تر باشد و به لایه‌های مختلف و اقشار مختلف زنان برسد، مطرح شود و مورد مباحثه قرار بگیرد. البته که نقش افراد صاحب‌نظر و دارای تریبون در این حوزه و رسانه‌هایی که ظرفیت انتقال این تبیین را دارند غیرقابل انکار است.

عامل بعد که موضوع ناراحت‌کننده‌ای است، بحث استقلال عملکرد زنان در پست‌های مدیریتی است. گاه فعالیت‌های زنان در برخی سازمان‌ها ذیل برخی احزاب سیاسی تعریف می‌شود. تهدیدیهایی از جانب احزاب صورت می‌گیرد مثل تهدید به حذف شدن از برخی لیست‌ها برای سال‌ها بعد. اینجا برخی مجبور می‌شوند کنش و واکنش‌های خود را طوری ترسیم کنند که موجب می‌شود استقلال عملکردشان زیر سؤال رود که این امر ریشه در همان بحث شایسته‌سالاری دارد. علاوه بر این عوامل، عوامل دیگری نیز قابل بررسی و رصد هستند. مثل بررسی ملاک و معیارهای مشخص در ذیل یک گفتمان مشترک در باب الگوی سوم زن مسلمان و مواردی از این قبیل. همه این عوامل راه و چاره‌ای دارند. باید در هر یک بررسی متخصصانه، متصفانه، معقولانه و هوشمندانه‌ای صورت گیرد تا به نتایج و راه‌حل‌های متناسبی برسیم. از بین همه راه‌حلی‌هایی که پیدا می‌شود نیز برخی که اولویت بیشتری دارند باید در صدر اجرا قرار گیرند. کما اینکه تشکیل‌های دانشجویی خود از منابع و سرمایه‌های خوشفکر و صاحب‌ایده در این زمینه‌ها هستند که صحبت هرچه بیشتر مسئولان و استفاده از ظرفیت قشر دانشجو قطعاً بسیار کمک‌کننده خواهد بود. علاوه بر این در وضع قوانین باید تفکر و تأمل عمیقی در ارتباط با چگونگی ایجاد بستر، رفع عوامل تبیین‌شده مذکور و تقویت فضای مناسب جهت حضور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زنان شود.

در نهایت رفع این عوامل و موانع علاوه بر سازمان‌ها و نهادها و افراد خوشفکر، از چیزی به دست خود دختران و زنان مسلمان و عقیقه، با تقوا و متخصص ایرانی است که ریشه این عوامل را بشناسند. اعتماد به نفس‌شان را تقویت کنند، وحدت‌گفتمانی ذیل منویات امامین انقلاب داشته باشند، مسائل را به درستی تشخیص دهند تا آن‌شاءالله با رفع این موانع ایرانی‌آبادتر و بلندتر به استفاده از نظرات مفید و مؤثر زنان با ساختاری که الگوی سوم زن مسلمان می‌طلبد، داشته باشیم.

چند نکته در خصوص یک یادداشت مهیوم هشدار خطر مسری شدن بیماری لمپنیسم در اندیشه و فرهنگ

عزیز نجفی پور اقا بیگلو
رئیس دانشگاه آزاد واحد کربلویکی

آقای رضا منصوری در یادداشتی کوتاه و البته مهیوم، نکاتی در باب شورای عالی انقلاب فرهنگی و دانشگاه آزاد ذکر کرده و تغییر اسم «سنگار بهمن» در شورای عالی انقلاب فرهنگی و تبدیل «دانشکده علوم پایه» به «دانشکده علوم همگرا و کوانتوم» را مورد هجو قرار داده‌اند و مدعی نفوذ و فساد مالی در این فرآیندها شده‌اند.

وی نوشته است: «در وادی علم نه تنها به قله جهل - شاید هم نفوذ - رسیده‌ایم بلکه از آن عبور کرده‌ایم...» در حالی که فارغ از اینکه گزارش‌های بین‌المللی در باب رشد علم در ایران خلاف هجو ایشان را نشان می‌دهد ولی این فرمایش ایشان دقیقاً خلاف مدعیات رسمی ایشان در برنامه گستره شریعت در سال ۱۳۹۷ است که به نقل از عیسی صدیق به بی‌سوادی مطلق دانشجویان قبل انقلاب اشاره می‌کند و متعاقباً رشد علمی دانشجویان در دوران بعد انقلاب را غیر قابل گمان می‌شمارد و تأکید می‌کند که همه دنیا هم این را قبول دارند (فیلم کامل گفت‌وگو در لینک ذیل...)

این حجم از تناقض‌گویی اگر ناشی از گسستگی تحلیلی نباشد ریشه در غلبه انگیزه بر اندیشه ندارد؟ منصوری ادامه می‌دهد: «و این هم از دانشگاه مثلاً اسلامی ما که تابلوی «دانشکده علوم پایه» را با این استدلال که «ما از قله عبور کرده‌ایم و حالاً وقت فلان است» به «دانشکده علوم همگرا و کوانتوم» تبدیل می‌کند... بوی پول می‌آید؟ ولی دقت ندارد که روند تحول پارادایم طبقه‌بندی علوم از الگوی علوم مستقل جزء-جزء به سمت همگرایی علوم در حرکت است و طبیعی است که این روندی تدریجی است و قرار نیست هیات علمی و دانشجو و منبع و دانشکده مورد نیاز در حوزه «علوم همگرا و کوانتوم» از کره ماه وارد شود تا اتفاقی در ایران رخ دهد و طبیعی است که ضمن شیفت پارادایم از علوم پایه به سمت علوم همگرا، باید همین ظرفیت‌های رشته‌ها و استادان و دانشجویان و دانشکده‌های موجود در به تدریج در قالب تعریف پژوهش‌های مشترک و آموزش‌های ترکیبی و بین‌رشته‌ای و... بدین سمت سوق داد. این کاری است که دانشگاه آزاد دارد انجام می‌دهد و اگر ایشان پیشنهاد بهتری دارد بفرماید و طبعاً اگر پیشنهادی داشت در آن سال‌ها که معاونت وزارت علوم را متصدی بود تحولی ایجاد می‌کرد و...»

و اما در باب «بوی پول» که حضرت‌شان استنمام کرده‌اند طبعاً دانشگاهی که از پول مفت نفت ارتزاق می‌کند دغدغه‌ای برای جذب پول از صنعت و جامعه ندارد و برایش خیلی مهم نیست که فرآیندهای علمی و فناورانه‌اش کاربردی باشد؛ در حالی که دانشگاه آزاد باید برای چرخاندن چرخ‌های دانشگاه مدل درآمدی داشته باشد و از این رو روزآمدسازی رشته‌ها و سوق دادن دانشکده‌ها به سمت ارتباط با صنعت و جذب پروژه و منابع مالی موضوعیت می‌یابد. فلذا برای من روشن نیست حضرت‌شان دقیقاً با چی مخالفند؟ با ارتباط دانشگاه با صنعت و مسائل بومی جامعه؟ یا با مشارکت دانشگاه در ثروت‌آفرینی

دانش‌بنیان؟!

ایشان ادامه می‌دهد: «فساد از حدی گذشته که اجتماع نحیف علمی ما بتواند سالم‌شود. وزارت اطلاعات که لازم است ورود کند؛ ورود می‌کند؟ نفوذ، فساد مالی؟... خاطرم هست استاد مرحوم بنده دکتر عماد افروغ فرد دیگری را مصداق نفوذ و جاسوسی علمی در ایران معرفی می‌کرد و همان فرد را دکتر گلشنی امروز هم در رسانه‌ها به عنوان جاسوس و نفوذی حوزه علم و آموزش عالی معرفی می‌کند، طبعاً اگر قرار باشد دنبال جاسوس و نفوذی باشیم دوستان وزارت اطلاعات باید جایی دیگر را جست‌وجو کنند نه دانشگاه آزاد را که با سیلی صورتش را سرخ نگه داشته و در این دوران بحران مالی و روند چندسال قبل نزولی دانشجویانش که تا مرز ۸۰۰ هزار نفر هم سقوط کرد، توانست با طرحی نو که در انداخت خود را از بحران خارج کند و امروز یکی از پیشروان آموزش عالی باشد.

وی می‌گوید: «هرچه هست من آن را مصداق بارز نسل‌سوزی می‌بینم». در حالی که نسل‌سوزی آن بنیان‌کچی است که قبیله دکتر منصوروی در نظام آموزش عالی کشور بنیان نهاده‌اند و دانشجویی تربیت می‌کنند که اولاً دغدغه حل مسائل بومی کشور را ندارد و از سوی دیگر اگر هم بخواهد توان حل مسأله بومی کشور را ندارد و کلاً برای حل مسائل جوامع دیگر تربیت شده است و علی‌الاصول چاره‌ای جز مهاجرت ندارد... اینکه دانشگاه آزاد می‌کوشد مسائل بومی جامعه ایرانی را به بدنه خود منتقل و حل مسأله کند و از این طریق اقتصاد دانش‌بنیان را هم توسعه دهد، فرصت‌سوزی است یا کورور کورور دانشجویان باهوش کشور را برای چرخاندن چرخ‌های صنعت و اقتصاد کشورهای دیگر تربیت کردن و روانه ساختن؟!»

منصوری در نهایت از مبانی خود هم رونمایی می‌کند و می‌نویسد: «مردم - نه آن مردمی که بعضی جمعه‌گویان نام می‌برند و منظورشان امت است - آگاه باشند و از نسل‌کوتنی و نسل‌های بعدی در حد توان و آگاهی خود حفاظت کنند.» در حالی که کلمه «امت» کلمه‌ای در ترمینولوژی پیامبر اکرم (ص) است و البته امام خمینی (ره) که میراث‌دار این واژه در عصر حاضر هستند و «امت»، جزء واژگان اصل انقلاب اسلامی است و البته جریان روشنفکری دینی اصیل، مانند شریعتی هم در «امت و امامت» بدان اشارت و رجاع فراوان دارد... پرسش از منصوری این است که آیا در طول تاریخ نهضتی مردمی‌تر از نهضت پیامبر سراغ دارد؟ آیا در تجربه ایران معاصر تجربه‌ای مردمی‌تر از انقلاب اسلامی و رهبرانی مردمی‌تر از امام خمینی می‌شناسد؟ پس ناراحتی آن «ناراضی نامنصور» از چیست که اصرار بر تفکیک واژگان «مردم» و «امت» دارد؟! اگر من بگویم که مردم‌گرایی «جمعه‌گویان» از آن روی که خواب «جمعه‌خوابان» را برآشفته می‌کنند، علت هجمه توأمان به امت و امامت جمعه را فراهم می‌کند، بی حساب نگفته‌ام. در پایان مجبورم در نهایت تأسف، مسری شدن بیماری «لمپنیسم زیبا کلامی» را به همه اهالی اندیشه و فرهنگ هشدار دهم و همگان را از هر طیف فکری و سیاسی برای درمان این بیماری فراخوانم.